

درسنامه دوره
مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و
آسیب های اجتماعی

گردآوری: اداره تحول و بهره وری اداری دانشگاه ایلام

تعریف پیشگیری:

مجموعه اقدام ها و تدابیر غیر قهر آمیز که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم، کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرائم اتخاذ می شود (موریس کوسن)

با توجه به تعاریف مختلف از "پیشگیری از جرم" اقدام پیشگیرانه باید مشروط به شرایط زیر باشد:

(الف) هدف اصلی یا حداقل انحصاری آن، پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات باشد.

(ب) باید دارای وصف جمعی باشد.

(ج) ناظر به مرحله قبل از ارتکاب جرم باشد.

(د) غیر قهر آمیز باشد (رضایت ذینفع الزامی است)

(ه) هدف صریح و مشخص این اقدامات باید کاهش بزه کاری باشد.

(و) متوجه و ناظر به یکی از علل بزه کاری باشد.

پیشگیری گونه های مختلفی دارد که با توجه به معیار های متفاوت، شامل این موارد

می باشد:

۱- **معیار سن:** سن در جرم شناسی یک متغیر ذاتی و به دوره های مختلف تقسیم شده است. از آنجا که شخصیت اطفال در حال شکل گیری است و استعداد جامعه پذیری دارند، برای جلوگیری از بروز رفتارهای منحرف و مجرمانه در آنها، لازم است اقدامات خاصی در نظر گرفته شود، مساله پیشگیری از جرایم اطفال با توجه به طبیعت خاص آنها مشمول اقدامات خاصی است.

۲- **معیار دامنه اقدامات:**

(الف) پیشگیری عام:

سلسله اقداماتی که علیه عوامل جرم زا به کار می رود.

(ب) پیشگیری خاص:

اقداماتی که برای یک جرم خاص در نظر گرفته می شود.

۳- **معیار موضوع:**

(الف) پیشگیری انفعالی: در این نوع پیشگیری به یک هشدار و اخطار برای مصون داشتن جامعه از بزه دیدگی قناعت می شود (اخطار با اقدامات عملی همراه نیست، در واقع یک نوع اطلاع رسانی به بزه دیدگان بالقوه است).

(ب) پیشگیری فعال: جهت جلوگیری از وقوع جرم عملاً اقدامات مثبتی انجام می شود.

۴- معیار پزشکی:

الف) پیشگیری اولیه: اقداماتی که جهت گیری آنها برهم زدن اوضاع و احوال جرم را در محیط فیزیکی و اجتماعی است.

ب) پیشگیری ثانویه: مداخله در حالات خطرناک افراد جهت باز سازی آنها.

ج) پیشگیری ثالث: زمانی که اقدامات پیشگیری اولیه و ثانویه به نتیجه نرسیده و فرد مرتکب جرم شده است در این مرحله ما در صدد هستیم تا از مزم شدن وضعیت بزهکار و تکرار آن جلوگیری کنیم.

۵- معیار سوژه:

الف) اجتماعی: بر روی شخصیت افراد تمرکز می کند.

ب) وضعی: بر روی موقعیت های تمرکز می کند

پیشگیری وضعی

اقدامات پیشگیرانه وضعی شامل ۳ دسته از تدابیر می شود که به شرح ذیل می باشد:

۱) تدابیر خطر افزا:

مراقبت و بررسی به دنبال ارائه این پیام به بزه کار است که در صورت گذار از اندیشه به عمل، مشاهده، کنترل و دستگیر خواهد شد. بنابراین، با القای این حس و انتقال پیام، بزه کار با توجه به خطر دستگیری یا شرمساری ناشی از احتمال مشاهده شدن به تردید می افتد.

۲) تدابیر دشوار کننده:

دشوار کننده یعنی، تدابیری که شرایط مادی ارتکاب جرم را دشوار می کند مانند گونه های مختلف حمایت فیزیکی (درهای مستحکم، حصار، پنجره آهنی و...) و کنترل تسهیل کننده ها (ممنوعیت حمل سلاح گرم و سرد، دشوار کردن قلب در کارت های اعتباری و ...) و تغییر مسیر.

۳) تدابیر جاذبه زد:

جاذبه زدایی یعنی تدابیری که ناظر به کاهش یا حذف منافع مورد انتظار مجرمین می باشد (خودداری از رفت و آمد با جیب پر پول و ...).

عوامل پیدایش و زمینه ساز در انحرافات اجتماعی و رفتارهای ناپهنجار و آسیب زا:

۱) عوامل فردی:

جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و....

۲) عوامل روانی:

حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی، قدرت طلبی، کم رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری های روانی و...

۳) عوامل محیطی:

اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و...

۴) عوامل اجتماعی:

خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و...

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی توان به یک باره فرد بزهکار را به عنوان علت العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

اگر فرد، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفریح دست به بزهکاری بزند، این کار وی کم کم زمینه ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزهکاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزهکار افرادی هستند که همه زمینه ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد.

مهم ترین عامل در انحراف افراد و ارتکاب عمل نابهنجار، **فردی** است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزهکاری می شود؛ چرا که فردی که می خواهد اولین بار دست به بزهکاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید.

دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می آورد.

فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزهکاری است.

در عین حال، به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. در عین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند.

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به سه

دسته عمده تقسیم نمود:

۱) عوامل معطوف به شخصیت؛

۲) عوامل فردی؛

۳) عوامل اجتماعی.

الف) عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

▪ ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو

معمولاً ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار، بی‌قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، این‌گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی‌شود. افراد روان رنجور و روان پریش نسبت به ارزش‌ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی‌تفاوت بوده و کمتر آن‌ها را رعایت می‌کنند. اعمال و شیوه‌های رفتاری این‌گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می‌کند و موجب می‌شود که رعایت ارزش‌های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیرسؤال رفته و آن‌را به پایین‌ترین سطح عمل تنزل دهد.

برخی از مشخصه‌های بارز و برجسته شخصیتی این‌گونه افراد: خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی، فریبندگی ظاهری و عدم احساس مسئولیت می‌باشد. این‌گونه افراد به پیامد عمل خود نمی‌اندیشند، در کارهای خود بی‌پروا و بی‌ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت‌های خود یک‌سویه می‌باشند. این نوع شخصیت‌ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای‌بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می‌روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه‌ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می‌کنند تا جلب توجه نمایند.

گروهی از افراد بزهکار و کجرو نیز ویژگی‌های شخصیتی دیگری دارند؛ خودمحور و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات آنان توجه نمی‌کنند. این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم‌اند. اغلب این افراد والدینی داشته‌اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی‌توجه‌اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می‌نهند.

آنان به علت سرکوب خواسته‌ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می‌کنند.

گروهی نیز افرادی برون‌گرا و به دنبال لذت‌جویی‌انی هستند، دم را غنیمت می‌شمارند، دوست دارد در انواع میهمانی‌ها و جشن‌ها شرکت کنند، تشنه هیجان و ماجراجویی‌اند، به همین دلیل برای لذت‌جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می‌زنند.

سرانجام گروهی از افراد بزهکار نیز مشخصه بارزشان، پرجوش و خروشی و بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است. این گونه شخصیت ها برای آنکه «خود»ی نشان دهند، هر تجربه ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود، انجام می دهند. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی، استقلال طلبی افراطی، خودباختگی احساسی و غلبه کنش های احساسی بر کنش های عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرزا و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند. از دیگر مشکلات روحی - روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود، می توان به ضعف عزت نفس، احساس کهنتری، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

ب) عوامل فردی

در حوزه عوامل فردی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱) آرزوهای بلند؛

۲) خوش گذرانی و لذت طلبی؛

۳) قدرت، استقلال و عافیت طلبی؛

۴) زیاده خواهی؛

۵) بی بندوباری و لاپالی گری؛

۶) بی هویتی و بی هدفی در زندگی.

افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرایم می شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را فقط یک کار تفننی و به عنوان گذران اوقات فراغت می دانند با اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار نابهنجار نماید، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می زنند.

گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و - به اصطلاح - «خودی» نشان دهند. و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

عده ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می زنند.

گاهی هم عده ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل این که روحیه فاسدی دارند و - به اصطلاح - بی بند و بار و بی هویت اند و یا هدفی در زندگی ندارند، میل به بزهکاری پیدا می کنند.

ج) عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱) عدم پابندی خانواده ها به آموزه های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندان شان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزاردند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند. ۶۰ به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است.

بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

۲) آشفستگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند.

در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می شوند. ۷

علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود.

بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری به نحوی از انجا از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی توجهی، بی موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته اند؛ به عبارت دیگر، از نظر آنان والدین ایشان در بزهکاری شان نقش داشته اند.

بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است.

همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را «بد رفتاری، بداخلاقی، بی تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته اند.

در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته اند.

با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است.

روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است.

۳) طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

۴) نوع شغل

از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب

جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند. در یک مطالعه، ۷۹ نفر، که بر اثر زندان شغل خود را از دست داده بودند، دارای دلایل متفاوتی بودند. از جمله، بی اعتماد شدن مدیریت، (۳۸ نفر)، مقررات مربوط به کارکنان دولت (۱۹ نفر)، غیبت طولانی از محیط کار (۱۲ نفر) و از دست دادن سرمایه (۱۰ نفر).

از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است. در حالی که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می یابد. ۱۳ علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد.

۵) بی کاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند.

علاوه بر این، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

۶) فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایی را در فرزندان فراهم می سازد.

این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند. ۱۶ در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند:

«اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدم.

از سوی دیگر، بر اساس یافته های همین پژوهش، حدود ۴۷ درصد افراد بی کارند و یا فاقد درآمد و حدود ۶۹ درصد افراد سارق و خانواده های ایشان در این پژوهش، زیر خط فقر قرار دارند! در حالی که، به گزارش بانک جهانی میانگین شهروندان ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) کاهش یافته است.

علاوه بر این، پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های موردنظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می یابد.

۷) دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و معتاد می شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد

توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه مندند که مواد مخدر را به طور دسته جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند. از این رو، معتادان علاقه مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشانند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقلداتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است. همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.

در این خصوص سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. در سخنان پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله) آمده است: «المرء علی دین اخیه»؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند.

از این رو، رهبران دینی ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار و دوستان ناباب باز می دارند. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: «مُجالسَةُ اهل الهوی منسأةٌ لایمان و محضره للشیطان.»؛ همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند.

همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لاتصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصیروا عند الناس کواحد منهم»؛ با افراد منحرف همنشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا همنشینی با آنان موجب می شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

۸ محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد. در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود. به گفته یکی از محققان، محیط در شکل گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین کننده و مؤثری ایفا می کند و رفتار انسان که نشانه ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است. ۲۷ بنابراین، محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

۹) فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند.

تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود. تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد.

همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.

در شیوه فرزندسالاری، اغلب تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود، از این رو، به محض ایجاد مشکلات و بحران ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و بی تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد و سرانجام می تواند زمینه ارتکاب انواع جرایم را فراهم سازد.

۱۰) رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ

نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن‌ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال‌های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، با مضامین زندگی‌های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه‌گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است.

نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای‌بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

نوجوانی و جوانی یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می‌شود و آخرین مرحله تحوّل شناختی و گذر از مرحله «پیرو دیگران بودن» و رسیدن به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره‌ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می‌یابد. نوجوان با خود می‌گوید: «اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگ‌سالم». در این مرحله، دیگر والدین نمی‌توانند به او کمک‌چندانی بکنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جستجو می‌کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی‌ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است.

نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سر گذارده، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویش است. اینک او خود را یافته است. اگر بزرگ‌سالان ویژگی‌های این دوره زندگی او را بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می‌یابند و هم بزرگ‌سالان کمتر احساس نگرانی می‌کنند. از این رو، می‌توان گفت: بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی‌های اولیه زندگی دارد.

امام صادق (علیه السلام) با بیان حکیمانه‌ای به این دوره از زندگی نوجوان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: **«الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ.»** **کودک هفت سال اول، سید و فرمان‌رواست. او را آزاد بگذارید تا استقلال در عمل پیدا کند.** در هفت سال دوم، آمادگی خاصی برای الگوپذیری دارد؛ چه اینکه هنوز در مرحله دیگر پیروی قرار دارد و الگوپذیر است. از این رو، سعی کنید در این دوره، الگوهای مناسبی در اختیارش قرار دهید و محیط تعلیم و تربیت او را هرچه بیشتر غنی و اصلاح‌کنید تا از طریق مشاهده الگوهای مفید و جذاب، رشد کند. **اما در مورد دوره نوجوانی می‌فرماید: «وزیر سبعم سنین»؛ یعنی دوره «پیروی دیگران بودن»** او سپری شده و با آغاز نوجوانی، دوره دست‌یابی به هویت خویش آغاز شده است. او را آزاد بگذارید تا خود انتخاب کند و

حتی در مورد مسائل گوناگون زندگی با او مشورت کنید و از او نظرخواه باشید. اگر با نوجوان این گونه برخورد شود و به او شخصیت و هویت و اعتبار اعطا شود، طبیعی است که هم اعتماد به نفس او تقویت می شود و هم احساس امنیت و آرامش می کند. این اساسی ترین راه برای تربیت نوجوان است.

بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه ای از عوامل است که هرگز نمی توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی گناه. با نگاه فوق، اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می رود. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می باشد. در واقع، باید با این نگاه به مجرم نگریست که مجرم یک بیمار است. به تعبیر پریودو داریل: «بزهکار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد.»

اصولاً اسلام به پیش گیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه داشته و برای سلامت روح و روان، نیز به اقامه نماز و دعا امر فرموده و گذشت، مهربانی و صبوری. حق شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است. همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته و می فرماید: هر کار ریز و درشتی در اعمال افراد ثبت و عمل هیچ کس ضایع نخواهد شد.

علاوه بر این، به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی توجه کرده و انجام عبادات روزانه فردی و جمعی را به عنوان عوامل پیش گیرانه مطرح کرده است. البته، در جای خود پس از وقوع جرم و علی رغم آن همه التفات و توجه به امر پیش گیری و اصلاح و بازپروری، اسلام برای مجازات نیز - به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم - تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازات ها در اسلام نیز برای امر پیش گیری است.

● پیشنهادات

الف) اقدامات پیشگیرانه

در اینجا برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه توسط افراد به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهاداتی ارائه می شود:

- هماهنگ کردن بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری ها، شوراها، امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیش تر؛

- آگاهی دادن به خانواده ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان.
- اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر توسط دولت در محل های جرم خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند.
- اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است.
- تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه.
- اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و ...

(ب) راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

- علاوه بر اقدامات پیش گیرانه، شناسایی راهکارهایی برای شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:
- شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می کند و فرد را به انحراف می کشاند.
 - توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.
 - توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.
 - توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.
 - توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، چشم چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و ...

(ج) وظایف خانواده

- خانواده ها نیز وظایفی در مقابل پیش گیری از جرم و بزهکاری فرزندان دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:
- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند.

- تقویت اعتقادات فرزندان، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی
- ایجاد سازگاری در محیط خانه
- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان
- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین
- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده
- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود
- برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان
- نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان.

د) وظایف سایر نهادها

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

▪ تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی

▪ تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس

▪ بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان

▪ ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان

▪ اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملاء عام) برای باندهای فساد، اغفال و...

▪ تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی

▪ برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان

▪ جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال های کاذب مثل کوپن فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...

▪ ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان

▪ ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...

▪ ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی کاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی

و...

▪ فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد

▪ از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بی کاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بی کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

اعتیاد و پیشگیری:

تمام تحقیقات دراز مدتی که تا کنون در دنیا انجام شده نتایج مشابه داشته و آن اینستکه، کودکانی که در دوران کودکی از سلامت روحی و جسمی برخوردارند و زندگی رضایت بخشی دارند کمتر در خطر اعتیاد می باشند. برعکس کودکانی که از این شرایط برخوردار نیستند علائم واضحی نشان می دهند، که احتمال گرایش آنها به اعتیاد را در آینده بخوبی نشان می دهد.

امروزه محققین می توانند با اطمینان بگویند: کودکی که در زندگی تعادل وجود دارد و از نظر جسمی و روانی زندگی رضایت بخشی دارد شخصیت مستحکمی می یابد و مشکلات را بهتر تحمل می کند و دارای اعتماد به نفس قوی می شود، این کودکان نیازی برای روی آوردن به مواد مخدر در خود نمی یابند. بر اساس همین آگاهی ها یک برنامه هفت قدمی برای پیشگیری صحیح از اعتیاد کودکان و نوجوانان برای والدین و مربیان پیشنهاد می کنیم.

هفت پیشنهاد در جهت پیشگیری از اعتیاد فرزندان :

- ۱- کودکان نیاز به امنیت روانی دارند.
- ۲- کودکان به تشویق و تائید نیاز دارند.
- ۳- کودکان نیاز به بازی آزاد و عادت های خوش آیند دارند .
- ۴- کودکان به الگوهای واقعی نیاز دارند .
- ۵- کودکان نیاز به تحرک و تغذیه صحیح دارند .
- ۶- کودکان نیاز به دوست و همراه دارند و محیطی که نیازهای آنها را بفهمد.
- ۷- کودکان نیاز به تخیلات و هدف دارند.

کودکان نیاز به امنیت روانی دارند

کودکان به امنیت روحی نیاز دارند و این به معنی این است که آنها باید از محبت والدین و نزدیکان بزرگسالشان کاملاً مطمئن باشند .

کودکان نیاز به تشویق و تائید دارند

امروزه روشهای تعلیم و تربیت کاملاً نسبت به گذشته تغییر کرده اند. در حال حاضر همه متخصصین بر این عقیده اند، که کودکان را نباید کتک زد و ضمناً تشویق موثر تر از تنبیه است.

کودکان نیاز به بازی آزاد و عادت های خوش آیند دارند.

والدینی که همه کارهای فرزندشان را می کنند مانع بزرگ شدن او می شوند، این کودکان قربانی محافظت زیادی والدین می شوند و در بزرگسالی مشکل می توانند روی پای خودشان بایستند یعنی مستقل وبدون وابستگی زندگی کنند. برعکس بعضی از والدین هم هستند که آنقدر به فرزندشان آزادی می دهند که او هیچ مرزی را نمی شناسد و مسلماً تعجب ندارد که این فرزند معتاد شود.

کودکان نیاز به الگوهای واقعی دارند

مسلماً الگو برای کودکان خیلی اهمیت دارند کودکان خیلی دقیق بزرگسالان را زیر نظر دارند و بسیاری از کارهایی که انجام می دهند از بزرگسالان الگو برداری می کنند و ضمناً آنها به خوبی می فهمند بین آن چیزی که والدین می گویند و آنچه که خودشان می کنند تفاوت وجود دارد

کودکان نیاز به تحرک و تغذیه صحیح دارند .

کودکان دوست دارند بازی کنند، بدون آنها از این کارها لذت می برند ولی متأسفانه والدین گاهی فراموش می کنیم که بچه ها نیاز به تحرک جسمی دارند آنها باید آنقدر حرکت کنند که خسته شوند. اما امروزه بعزت زندگی آپارتمانی کودکان فرصت و امکان کافی برای حرکات جسمانی ندارند. آپارتمانها معمولاً کوچک هستند و کمتر از گذشته کودکان امان بازی در کوچه ها یا مقابل خانه را دارند، در خیابانها هم که به علت وجود اتومبیل ها خطرناک است. بنابراین تنها جایی که بچه ها می توانند کمی بازی کنند در پارکها است.

کودکان نیاز به دوست و همراه دارند و محیطی که آنها را بفهمد.

کودکان امروز امکاناتی دارند که نسل گذشته نداشت، تلویزیون، ویدیو و بازی های کامپیوتری جزئی از زندگی آنهاست. در عوض خواهر و برادر داشتن چیز مسلمی نیست، کلاً فرم خانوادگی طی چند سال گذشته خیلی تغییر کرده. در گذشته گاهی سه نسل در یک خانه با هم زندگی می کردند به همین دلیل معمولاً مادر بزرگها و پدر بزرگها از نوه ها مراقبت می کردند. در حالیکه امروزه خانواده از پدر و مادر تشکیل شده که معمولاً هر دو شاغل می باشند. در نتیجه بسیاری از کودکان اکثر مواقع در خانه تنها هستند و هیچ کسی را ندارند که به آنها کمک کند یا با آنها حرف بزند.

روش صحیح اینست که والدین برنامه کاری و شخصی خود را با توجه به نیازهای فرزندشان تنظیم کنند تا همیشه یک نفر در دست رس کودک باشد.

کودکان به تخیلات وهدف نیاز دارند .

بهترین محافظ در مقابل اعتیاد به مواد مخدر بالانس روحی و اعتماد به نفس قوی است. این باعث می شود که کودک بصورتی مستقل ، واقع بین ، انتقاد پذیر به سن نوجوانی و بزرگسالی برسد. پیشنهاد ما برای یک تربیت مناسب علیه اعتیاد در قدم اول ایجاد محیطی احساسی در خانواده است. اگر محیط خانواده محبت آمیز دوستانه و مثبت باشد می توان در آن یک برنامه صحیح تربیتی را پیاده کرد . این محیط فردیت کودک را می پذیرد و به او احترام می گذارد و بر اساس قوانین خشک و غیر قابل انعطاف پایگذاری نشده . پایه تربیتی این محیط خانوادگی بر اساس تائید و تشویق گذاشته شده است نه بر اساس تنبیه .

علائم خطر و نشانه های احتمالی اعتیاد

قبل از اینکه نوجوانی معتاد شود ، علائم اختطاری نشان می دهد . این علائم اکثراً نشانه مشکلات روحی اوست . مسلماً فهمیدن و شناخت این علائم راحت نیست ، بنابراین بهتر است که با مشاهده اولین نشانه دچار ترس و وحشت نشوید . زیرا در صورتی باید این علائم را جدی بگیرید که مرتباً و به مدت طولانی مشاهده شوند . این علائم عبارتند از:

- هنگامی که کودک به نحو واضحی گوشه گیر باشد.
- وقتی بطور افراطی بترسد.
- وقتی بطور مشخصی تعادل جسمی نداشته باشد و نتواند حواسش را جمع کند
- وقتی کلاً در دنیای تخیلی زندگی کند و از آن بیرون نیاید.
- وقتی با کودکان دیگر بدون دلیل خشونت کند و عمداً وسایل را خراب کند، دائم از خودش صدا در آورد و مزاحم دیگران شود ، و حاضر به پذیرش حرفهای دیگران نباشد.
- وقتی که در مدرسه دائم حوصله اش سر برود و شکایت کند که مدرسه برای او خسته کننده است و نتواند علاقه دیگران را به نظراتش جلب کند.
- وقتی که سعی نکند شرایط را تغییر دهد و یا موفق به تغییر این شرایط نشود.
- وقتی هیچ دوستی نداشته باشد ، بخودش اطمینان نداشته باشد و از استقلال داشتن بترسد و قادر به تصمیم گیری نباشد .

آیین نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی

ماده ۱ - در اجرای بند ۱ اصل سوم و بندهای ۴ و ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم و بند ۱ اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای عینیت بخشیدن به اصل هشتم قانون اساسی که وظیفه ی همگانی است، در جهت حفاظت جامعه از هرگونه آلودگی، جرم و جنایت و تشکیل اجتماعات مضر به امنیت و سلامت جامعه و احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر که «والمومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» و کاهش و رفع مفاسد در جامعه و به استناد بند «الف» ماده یک قانون وظایف و اختیارات رییس قوه ی قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸، نهادی در قوه ی قضائیه تحت عنوان «ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی» تاسیس می گردد. تشکیلات، نحوه ی اداره، سازماندهی و امور اداری و مالی آن به موجب مواد آتی بوده و از این پس به اختصار ستاد نامیده می شود.

ماده ۲ - ستاد نهادی غیرانتفاعی (مردمی) و غیر سیاسی و وابسته به (قوه قضائیه) تشکیلات دادگستری استان و زیر نظر دادستان مرکز استان و با نظارت رییس کل دادگستری استان در جهت حفاظت جامعه از جرم و جنایت فعالیت می نماید.

تبصره ۱ - مدت فعالیت این ستاد از زمان تصویب رییس قوه ی قضائیه آغاز و تا زمانی که انحلال آن توسط ایشان اعلام نشده است ادامه می یابد.

تبصره ۲ - اموال ستاد در زمان انحلال به دادگستری استان تحویل و جزء اموال آن خواهد بود.

ماده ۳ - اهداف ستاد به شرح زیر می باشد:

الف - احیاء سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر

ب - پیشگیری از وقوع جرم و برقراری امنیت اجتماعی

- صیانت جامعه از مجرمین به طرق قانونی

ج - پاکسازی جامعه از عناصر مجرم

د - انسجام بخشیدن به امت حزب الله در جهت اصلاح جامعه

ر - نظارت و حمایت قانونی از امر به معروف و نهی از منکر

ماده ۴ - ستاد تحت نظارت ریاست قوه ی قضائیه و توسط شورای مرکزی با عضویت معاون اجرایی قوه ی قضائیه، دادستان کل کشور و رییس یا دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر کشور، فرماندهی نیروی مقاومت بسیج و فرماندهی نیروی انتظامی سازماندهی و اداره می گردد.

ماده ۵ - وظایف و اختیارات شورای مرکزی به شرح ذیل می باشد:

- ایجاد هماهنگی بین ارگانهای ذیربط

- اتخاذ تصمیم نسبت به سیاست کلی و برنامه های ستاد

- اتخاذ تصمیم در خصوص بودجه و اعتبارات ستاد در محدوده ای که تخصیص داده شده باشد.

- تعیین و ابلاغ وظایف و مسولیت ها و تشکیلات واحدهای استانی

- نظارت بر انجام وظایف واحدهای استانی
- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به پیشنهادهای واصله در خصوص تغییر و اصلاح ساختار و سایر موارد ابلاغی
- اخذ آمار عملکرد واحدهای استانی و شهرستانی
- اتخاذ تصمیم در خصوص استخدام بکارگیری و تعدیل نیرو و کم و کیف آن و تعیین سقف پستهای مورد نیاز در واحدها و در حدود قانونی و اعتبارات و امکانات موجود.
- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد تعدیل نیروی انسانی در واحدهای مربوط
- سایر مواردی که توسط رییس قوهی قضاییه ارجاع می شود.
- ایجاد هماهنگی بین ارگانهای ذیربط از قبیل ناجا، بسیج، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، دادسراها، سازمان زندانها، وزارت اطلاعات و دیگر نهادها در صورت لزوم
- ماده ۶- دادستان کل کشور و رییس شورای مرکزی و معاون اجرایی قوهی قضاییه به عنوان دبیر شورای مرکزی مسوول ابلاغ و پیگیری مصوبات ستاد می باشد.
- ماده ۷- ستاد دارای یک دبیرخانه است که کلیه اقدامات از طریق آن ابلاغ می گردد.

ماده ۸- تشکیلات ستاد حفاظت اجتماعی استان

- ۱- این تشکیلات شامل یک رییس ستاد و پنج معاونت (اداری و مالی و پشتیبانی - هماهنگی - آموزش و تحقیقات و پیشگیری - شهرستانها - مردمی) می باشد.
- ۲- رییس ستاد و معاونین توسط دادستان مرکز استان پیشنهاد و توسط رییس کل دادگستری استان منصوب و هم چنین عزل می شوند و مدیریت های زیر مجموعه هر معاونت و سایر مسوولین و کارکنان توسط رییس ستاد منصوب و عزل خواهند شد.
- ۳- تشکیلات تفصیلی ستاد استان و شهرستانها و بخشها و تعداد پستهای هر کدام منطبق با شرح وظایف به پیشنهاد معاونت اجرایی و تصویب شورای مرکزی تنظیم خواهد شد.
- ۴- در مرکز هر استان شورای هماهنگی ستاد با عضویت نمایندگان اعضای شورای مرکزی جهت برقراری ارتباط و هماهنگی بین نهادهای استانی تشکیل می گردد
- ۵- تعداد معین اعضا تشکل هسته می دهند و رئیس هسته با رای اعضای هسته انتخاب می شود و تعداد معین از روسای هسته هاتشکل شورای منطقه را داده و رئیس منطقه را خود انتخاب می کنند. تعداد اعضای هر هسته و شورای منطقه به نظر رئیس ستاد بستگی دارد.

ماده ۹- وظایف رییس ستاد حفاظت اجتماعی استان و معاونین وی

الف - رییس ستاد:

- ۱- رییس ستاد هدایت و رهبری ستاد حفاظت اجتماعی را طبق نظر دادستان در سطح استان به عهده دارد.
- ۲- نظارت بر کلیه واحدها و معاونت‌ها
- ۳- اخذ گزارش فعالیت هر معاونت به صورت هفتگی
- ۴- اجرای دستورات دادستان استان و پیگیری آنها
- ۵- ریاست شورای معاونین و اجرای مصوبات این شورا
- ۶- ایجاد هماهنگی با کلیه مدیران و مسوولین استان و ائمه جمعه و جماعات و مقامات نظامی و انتظامی قضایی
- ۶- ایجاد هماهنگی با کلیه مدیران و مسوولین استان و ائمه جمعه و جماعات و مقامات نظامی و انتظامی و قضایی
- ۷- تلاش جهت شناساندن این ستاد به آحاد مردم
- ۸- صدور کارت شناسایی برای کلیه مامورین افتخاری و نیروهای فعال
- ۹- امضا اسناد و قراردادهای مورد نیاز و انجام هرگونه هزینه و قبول کمک‌های مردمی در جهت پیشرفت امور ستاد
- ۱۰- تصمیم‌گیری در خصوص کلیه امور مربوط به ستاد پس از جلب نظر موافق دادستان
- ۱۱- اجرای کلیه دستورات ابلاغی توسط دبیرخانه شورای مرکزی

ب - وظایف شورای معاونین:

وظایف شورای معاونین:

- ۱- این شورا جنبه مشورتی داشته و هر زمان که رییس ستاد تشخیص دهد ۱۵ روز یکبار تشکیل جلسه داده و تصمیمات اتخاذ شده در هر مورد با تصویب رییس ستاد قابل اجرا خواهد بود.
- ۲- رعایت بند ۹ وظایف رییس ستاد در خصوص این تصمیمات نیز ضروری است.

ت - وظایف معاونت اداری مالی و پشتیبانی

وظایف معاونت اداری مالی و پشتیبانی:

- ۱- اداره کلیه امور اداری و جذب نیروی انسانی و گزینش آنها
- ۲- رسیدگی به تخلفات نیروها و عدم رعایت شئون
- ۲- گزارش تخلفات اعضای ستاد از ضوابط و مقررات به رئیس ستاد
- ۳- اداره دبیرخانه
- ۴- جذب و گزینش نیروها اعضا
- ۵- تدارک و پشتیبانی واحدها و نیروها
- ۶- انجام امور مالی و کلیه اموری که توسط رییس ستاد در این ارتباط تفویض می‌شود.

ج - وظایف معاونت هماهنگی

- ۱- ایجاد هماهنگی بین تمام معاونت‌ها و بخش‌های مختلف و شهرستان‌ها

۲- دبیر شورای معاونین

۳- روابط عمومی و تبلیغات

۴- رفع اختلاف بین اعضا و واحدها

۵- حمایت قانونی از اعضای ستاد در کلیه مراجع قضایی

ر - وظایف معاونت شهرستانها

۱- پیگیری تشکیل ستاد در شهرستانها با پیشنهاد دادستان محل و موافقت رییس دادگستری در حوزه قضایی خواهد بود.

۲- اخذ گزارش از شهرستانها و تحویل ارائه به رییس ستاد

۳- نظارت و بازرسی از ستاد شهرستانها

ز - وظایف معاونت آموزش، تحقیقات و پیشگیری

۱- آموزش کلیه مامورین اعضای ستاد

۲- تهیه بولتن خبری برای کلیه مامورین اعضای ستاد

۳- آموزش همگانی و بالا بردن اطلاعات مردم در خصوص جرایم و ناهنجاری های اجتماعی

۴- تحقیقات و پژوهش از طریق موسسات تحقیقاتی برای پیشگیری از جرم

۵- پیشگیری از وقوع جرم

۶- دفاع حقوقی از مامورین ستاد و در صورت نیاز در کلیه ادارات و مراجع قانونی

س - وظایف معاونت مردمی

۱- راه اندازی هسته های اولیه در محلات، مساجد، اصناف، ادارات، کارخانجات و اقشار مختلف مردم مانند دانشگاهها،

حوزه های علمیه، بانوان و غیره

۲- ایجاد واحدهای منطقه ای جهت پوشش و هدایت هسته های اولیه

۳- ایجاد مدیریت برای بخش های مختلف جامعه

۴- جمع آوری کلیه اطلاعات مردمی در ابعاد مختلف و ارائه به رییس ستاد جهت اتخاذ تصمیمات بعدی

۵- ذخیره اطلاعات جمع آوری شده در برنامه رایانه ای

۶- اخذ گزارش هفتگی از مدیریت های زیر مجموعه و جمع بندی آنها

۷- راهنمایی و هدایت هسته ها و مدیریت آنها

- برنامه ریزی جهت مقابله با جرائم توسط هسته ها مطابق ضوابط و مقررات

۸- طراحی عملیات های اجرایی در جهت مقابله با جرایم توسط هسته ها

۹- نظارت بر هسته ها و بازرسی عملکرد آنها

۱۰- انجام هر گونه وظیفه ای که در این ارتباط توسط رییس ستاد یا شورای معاونین محول می شود.

شرایط اعضای ستاد عبارتند از :

الف - اعتقاد کامل به نظام مقدس جمهوری اسلامی و قانون اساسی

ب- داشتن اعتقاد به لزوم اصلاح جامعه و امر به معروف

ج- داشتن اهلیت قانونی و حسن شهرت

د- فقد سابقه محکومیت موثر کیفری

۱- **مامور حفاظت اجتماعی**، به عضوی از ستاد اطلاق می شود که پس از اعلام تمایل کتبی برای فعالیت در ستاد به عنوان مامور مراحل جذب و گزینش و آموزش را گذرانده و پس از احراز صلاحیت های لازم برای وی کارت شناسایی صادر شده است.

۲- در صورتی که مامور شرایط لازم را از دست داده یا استعفا نموده و یا عملاً همکاری با ستاد را قطع نماید توسط رییس ستاد ماموریت وی لغو و کارت شناسایی مسترد و باطل می گردد.

تبصره: کارت شناسایی در دست مامور امانت بوده و صرفاً جهت شناسایی وی مورد استفاده قرار گیرد. مامور در شرایط بند ۳ و درخواست رییس ستاد موظف است فوراً نسبت به استرداد کارت شناسایی اقدام نموده و هرگونه سوء استفاده و یا استفاده در غیر مواردی که توسط ستاد تجویز شده است و تاخیر و یا عدم استرداد در حکم خیانت در امانت محسوب و قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

کارت شناسایی در دست مامور امانت بوده و در صورت درخواست رییس ستاد باید مسترد شود و هرگونه سوء استفاده و یا استفاده از آن در غیر مواردی که توسط ستاد تجویز شده، قابل تعقیب است.

۳- درخواست عضویت و فعالیت در ستاد به این معنا است که فرد تمامی شرایط عضویت را پذیرفته موظف است ضمن رعایت سلسله مراتب کلیه تصمیمات ستاد را با دقت اجرا نماید و مقید به مواد این آیین نامه باشد.

۴- اعضاء موظف هستند در کلیه جلسات هسته ها و مناطق شرکت نمایند.

۵- اعضاء موظف هستند کلیه اطلاعات به دست آمده را به مسوول هسته یا ستاد مرکزی و عنداللزوم به ستاد مرکزی ارسال نمایند. و در خصوص جرائم مشهود به نزدیکترین ضابط قضایی اطلاع دهند

۶- اعضا در صورت مشاهده هرگونه جرمی باید طبق دستور العمل و آموزش های داده شده عمل نموده و از اقدامات انفرادی و یا خودسرانه و برخورد فیزیکی خودداری نمایند.

۷- اعضا نباید گرایشات و تمایلات سیاسی خود را در برنامه های ستاد دخالت داده و یا از ستاد در این راستا استفاده نمایند.

۸- اعضا موظف به همکاری با کلیه نیروهای انتظامی و امنیتی هستند.

۹- گزارشات مامورین ستاد در حد خبر قابل وثوق معتبر و قابل پیگیری است.

۱۰- گزارشات مامورین ستاد به مقامات قضایی در صورتی که مستلزم وقوع جرمی باشد توسط مسوولین قضایی ارجاع و تعقیب می شود.

۱۱- گزارشگر در صورتی که موضوع مربوط به خود وی نباشد شاکی خصوصی محسوب نمی شود و در دادگاه طرف پرونده قرار نمی گیرد.

۱۲- در صورتی که اقدامات قانونی مامورین منتهی به درگیری یا هرگونه خسارتی گردید و کلا و مشاورین حقوقی ستاد از وی در مراجعه قانونی دفاع می نماید و این مراجع و دادگاه های دادگستری نمایندگان واحد حقوقی را به عنوان وکیل قانونی می پذیرند.

۱۳- عضویت در ستاد افتخاری بوده و هیچگونه حقی ایجاد نمی کند.

۱۴- اعضای ستاد که تمایل به ایفای نقش به عنوان مامور ندارند عضو عادی ستاد محسوب می شوند و فاقد کارت شناسایی مذکور بوده و در بخش های دیگر فعالیت خواهند نمود.

۱۵- کلیه اسناد و مدارک و صورتجلسات و مکاتبات و اطلاعات شفاهی که در جلسات هسته ها، مناطق و سایر جلسات ستاد ارائه می شود محرمانه دارای طبقه بندی بوده و افشاکننده برابر قوانین تحت تعقیب می گیرد.

ماده ۱۱- نحوه فعالیت ستاد حفاظت اجتماعی استان

الف - مرحله اول

۱- در این مرحله ابتدا، تمامی مسوولین واحدها و معاونت ها تعیین و منصوب می شوند.

۲- هر معاونت با مدیریت ها و واحدهای زیر مجموعه فعالیت خود را طبق شرح وظایف آغاز می کند.

۳- عضوگیری از تمامی محلات، مساجد، مدارس و اقشار مختلف مردم آغاز می شود.

ب - مرحله دوم

۱- جذب و گزینش اعضاء و مامورین و تشکیل هسته ها و شورای مناطق

۲- تعیین مسوولیت و رده بندی آنها

۳- اجرای کلاس های آموزشی و توجیهی برای آنها

۴- شروع به کار هسته های اولیه و واحدهای منطقه ای

ج - مرحله سوم

۱- شناساندن ستاد به مردم و مسوولین

۲- شناسایی بیماری‌های معطلات اجتماعی هر محله و منطقه که مخل امنیت و آسایش عمومی است

۳- شناسایی مجرمین و اشخاص منحرف و اراذل و اوباش

۴- برقراری ارتباط اعضا، مامورین و هسته‌ها با نیروی انتظامی، بسیج و اداره اطلاعات و غیره

۵- تحویل کارت شناسایی و کد مخصوص برای هر فرد

د- مرحله چهارم

۱- تعیین برنامه‌های امر به معروف و نهی از منکر توسط اعضا و هسته‌ها با هدایت ستاد مرکزی مناسب با هر موضوع

۲- اجرای برنامه‌های امر به معروف و نهی از منکر توسط اعضا و هسته‌ها، یا هدایت ستاد مرکزی مناسب با هر موضوع

۳- ارسال نتایج حاصله به ستاد مرکزی

۴- اجرای برنامه‌های مستمر جهت حفاظت اجتماعی

ماده ۱۲- این آیین نامه در ۱۲ ماده و سه تبصره و ۸۹۷۶ بند در تاریخ ۸۳/۷/۲۳ ۸۳/۱۰/۱۵ به تصویب رییس قوه‌ی

قضاییه رسیده و از همین تاریخ لازم الاجرا می‌باشد